

بررسی تطبیقی مادر و مادری در اندیشه‌های سیمون دوبووار و عرفان اسلامی

شیدا صفوت صفایی^۱

سیدفضل‌الله قدسی^۲

چکیده:

«فمینیسم» یکی از جنجال برانگیزترین جنبش‌های اجتماعی و فکری قرن بیستم قلمداد می‌شود. هر چند جنبش فمینیسم در غرب از اوج اقبال اجتماعی خود باز ایستاده اما در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای اسلامی همچنان به عنوان یک دغدغه‌ی اجتماعی در حال پیگیری است. فمینیست‌ها برآنند که بین زن و مرد به ویژه در نظام تشریح فرقی نیست؛ اما دین اسلام به تفاوت‌های زن و مرد در نظام تکوین اذعان دارد و با تأکید بر جایگاه خانواده و تکریم نقش مادری و همسری، بر رعایت حریم‌ها و هنجارها در رفتار جنسی تأکید مضاعف دارد. از سوی دیگر عرفان اسلامی از پرورش انسان‌ها در محیط خانواده و نقش آفرینی «مادر» در این تربیت سخن گفته و به آن اهمیت ویژه‌ای داده است. نقش زن به عنوان مادر و همچنین همسر در اعتلای انسان و رسیدن به مراحل بالای عرفانی چه برای خود او و چه برای همسر و فرزندان، در عرفان اسلامی و شیعی، انکار ناپذیر است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و براساس مطالعات کتابخانه‌ای تهیه و به انجام رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، که گروهی از فمینیست‌های رادیکال «سرکوب زنان» را به موضوع مادری ربط داده و ادعا نموده‌اند که رایج‌ترین موانع بر سر راه زنان به واسطه بیولوژی تولید مثل ایجاد شده است.

کلید واژه‌ها:

فمینیسم، اسلامی، رادیکال، مهر مادری، عرفان اسلامی.

^۱ - گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

ghodsi.sf@yahoo.com

پیشگفتار

در دنیای معاصر، مباحث مربوط به زنان در حوزه‌های گوناگون از حساس‌ترین بحث‌ها محسوب می‌شود. تجزیه و تحلیل نقادانه جنسیت، دست‌کم، از اواخر نیمه اول قرن بیستم به این سو، در عرصه‌های اعتقادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، تربیتی، اخلاقی و غیره، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. نگاه نقادانه مبتنی بر جنسیت، کوشیده است در حوزه‌های گوناگون، به‌خصوص در حوزه مسایل تربیتی، قرائت‌های جنسیتی جدید ارائه نماید. شاید بتوان ادعا نمود که در دنیای معاصر نظام‌های فکری، به‌خصوص نظام‌ها و نهادهای تربیتی، بیش از هر منظر دیگر، از منظر جنسیتی به نقد کشیده شده است. اندیشه‌های فمینیستی، به‌خصوص از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، تأثیرات زیادی بر مباحث تربیتی در سطوح گوناگون مبانی، اصول، روش، اهداف، برنامه‌ریزی درسی و غیره داشته است.

انسان در طول تاریخ از زیاده روی و کم انگاری آفات بسیاری دیده است. در این بین «نگرش به خصوصیات، تفاوت‌ها و اشتراکات زن و مرد» نیز از این مسئله بیرون نیست. عده‌ای تفاوت‌های زن و مرد را فراوان انگاشته اند؛ از این رو دچار توهم و اشتباه بزرگی گشته و تفاوت‌ها را حتی به جایگاه انسانی زن و مرد سرایت داده اند و مرد را برتر از زن و اختیاردار او دانسته‌اند. در این تفکر زن موجودی غیر انسانی شمرده می‌شود و در ردیف اموال و دارایی‌ها قرار می‌گیرد. (Ahmadi, 2005. P35-37) در تفکر قرون وسطایی «زن آخرین حیوانی است که مرد، او را اهلی کرده است». ارباب کلیسا نیز در روزگار قدیم می‌گفتند: «هر زنی از این که زن است باید شرمسار باشد» (Motahari, 1984. P516). از جمله تفاوت‌های روانی زن و مرد، عواطف و احساسات آن‌هاست. زنان از مردان عاطفی‌تر و احساسی‌ترند و با این سرشت به دنیا می‌آیند. (Bostan, 2003. P164)

از دیگر سو؛ عده‌ای، اندک تفاوتی بین زن و مرد ندیده اند و به تساوی مطلق زن و مرد نظر داده‌اند. این دیدگاه تازگی ندارد؛ بلکه همان نظریه ی افلاطون است که چهار قرن پیش از میلاد می‌زیست. افلاطون بر این ادعا پا می‌فشارد که زنان و مردان استعدادهای همانندی دارند و زنان می‌توانند همان وظایفی را به دوش بگیرند که مردان عهده دار می‌شوند و از همه حقوق مردانه بهره‌مند گردند. (Motahari, 1972. P175)

در این بین اسلام نگاه واقع بینانه و متعالی دارد و ضمن پذیرش تفاوت‌های تکوینی و تشریحی زن و مرد، آن را باعث برتری مطلق و هم چنین تساوی مطلق جنسی بر جنس دیگر نمی‌داند. بلکه

زن و مرد را در بیشتر مسائل با یک دیگر برابر دانسته و در برخی دیگر به سبب خصوصیات مردانه یا زنانه، نوعی برتری نسبی را به یکی از دو طرف داده است.

فمینیسم، به مثابه نظام فکری برآمده از انگاره اومانیزم، بازتاب مکتب‌های فکری مدرن غربی، در بحث زنان است. با توجه به ویژگی‌های مشترک همه گرایش‌ها، می‌توان تعریف و نظریه تربیتی مشترک و نسبتاً فراگیر برای آنها در نظر گرفت. فمینیست‌ها عرصه تعلیم و تربیت را بهترین بستر برای توانمندسازی زنان و ترویج دیدگاه‌های نقادانه مبتنی بر جنسیت، رسیدن به برابری کامل زن و مرد، گسترش رشته مطالعات زنان و غیره از اهداف خود در این عرصه می‌دانند. برای رسیدن به این اهداف، اصول و روش‌های همچون نقد، تشابه‌محوری، مخالفت با خانه‌داری و مادری، الگوسازی فمینیستی و غیره را در پیش گرفته‌اند. در ارزیابی و نقد فمینیسم باید توجه داشت که اولاً، نباید نهضت دفاع از حقوق و کرامت زنان را با فمینیسم یکسان پنداشت؛ ثانیاً، آثار مثبتی که این نهضت داشته، نه آثار اندیشه‌های فمینیستی، بلکه آثار طرح بحث حقوق زنان در غرب است؛ ثالثاً، در یک نگاه جامع ضمن توجه به آثار مثبت طرح بحث حقوق زنان، باید به پیامدهای ویرانگر اندیشه‌های فمینیستی نیز توجه نمود. در این پژوهش، مبانی فمینیسم و تفاوت‌های فمینیسم اسلامی و غربی با تکیه بر آراء و افکار سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم مورد بررسی و تأکید قرار خواهد گرفت و به سوالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱- شاخصه‌های فمینیسم غربی و اسلامی چه می‌باشد؟ ۲- نظرات دو نحله مد نظر فمینیسم در خصوص جایگاه مفهوم مادری چیست؟

در خصوص فمینیسم، پژوهش‌های زیاد صورت گرفته اما در این تحقیق، به مفهوم اختصاصی مهر مادری از منظر دو رویکرد فمینیسم اسلامی و غربی آن پرداخته خواهد شد. در شرایط کنونی جامعه به لحاظ فرهنگی و نیز دوره گذار از سنت به سمت مدرنیسم؛ کیان خانواده و نیز میل به تشکیل خانواده و توجه به مهر مادری تا حدود زیادی دستخوش آسیب‌های ذهنی قرار گرفته و این تحقیق می‌کوشد تا ضمن خاطر نشان کردن تبعات سوق یافتگی به تمایلات فمینیستی، دیدگاه اسلام در خصوص مفهوم مادری را برجسته سازد. سهیلا صادقی فسایی، در پژوهشی تحت عنوان «چالش فمینیسم با مادری»، (Woman and family research center, vol.7, 2005) چنین آورده است: برای مدت‌های طولانی بحث در مورد موضوعاتی که زنان و نقش‌های آنها را در جامعه متأثر می‌سازد، تحت تسلط افراطیون سنتی و رادیکال‌ها بوده است. در این مباحث گروهی از فمینیست‌های رادیکال «سرکوب زنان» را به موضوع مادری ربط داده و ادعا نموده‌اند که رایج‌ترین موانع بر سر راه زنان به واسطه بیولوژی تولید مثل ایجاد شده است. وی در خصوص مفهوم مادری

می‌نویسد: «مادری» معمولاً به مفهوم توجه و مراقبت از کودکان، ارضای نیازهای مادی، عاطفی، روانی و احساس مسئولیت در قبال آن‌ها و همچنین برقراری مناسباتی است که نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کند.

ابزار و روش

این روش به روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوا انجام شده است. که مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. مبانی نظری پژوهش با تکیه بر منابع غربی تدوین شده و در بحث تفصیلی از تلفیق منابع اسلامی و نیز تاکید بر کتاب جنس دوم سیمون دوبوار استفاده شده است.

(Woman and family research center, vol.7,2005)

ادبیات پژوهش

چیستی فمینیسم

واژه فمینیسم (feminism)، از ریشه Feminine گرفته شده است که در فرانسوی و آلمانی، معادل Feminin و به معنای زن یا جنس مؤنث است. (Rudgar,2007.P23) و نخستین بار در سال ۱۸۳۷م وارد کتاب‌های زبان فرانسه شد.^۱ (Khorramshahi,1992.P14) هرچند ارائه تعریف جامع از فمینیسم بسیار دشوار است. اما مناسب ترین تعریف ارائه شده درباره فمینیسم، این مطلب می‌باشد: « فمینیسم مجموعه‌ای از حرکات و ایدئولوژی‌ها برای ایجاد کردن بسترهای دفاع از حقوق برابر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای زنان و هم چنین ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و دختران در آموزش و پرورش و اشتغال است.» (Goldstein,1982.P23)

با توجه به ویژگی‌های مشترک گرایش‌های فمینیستی، می‌توان گفت: فمینیسم عبارت است از: «دفاع از حقوق زنان، مبتنی بر انگاره اومانیزم و سکولاریسم، با تأکید بر غیرطبیعی دانستن نابرابری‌های موجود و حرکت به سمت برابری یا موقعیت برتر زنان.» (Payne,2007.P12)

سرآغاز جنبش فمینیسم

به دلیل اینکه در نیمه اول قرن نوزدهم، در کشورهایی همچون فرانسه، انگلستان و آمریکا، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و مقالاتی سرنوشت‌ساز در دفاع از برابری حقوق زنان و مردان صادر شد و گردهمایی‌هایی در این جهت برگزار گردید، برخی آغاز جنبش زنان را اواخر نیمه اول قرن نوزدهم می‌دانند (Freedman,2007.P7). برخی نیز، نقش مری ولستون کرافت (Mary Wollstonecraft) را در شکل‌گیری جنبش فمینیسم تعیین‌کننده دانسته؛ بیانیه معروف سیصد صفحه‌ای وی را تحت عنوان «استیفای حقوق زنان» (A vindication of the Rights of Woman) که در سال ۱۷۹۲

منتشر شد، سنگ‌بنای فمینیسم مدرن می‌دانند. با توجه به اینکه فمینیسم، ریشه در تغییرات فرهنگی دارد، می‌توان گفت، فمینیسم از پدیده‌های مدرن غربی است که پس از عصر روشنگری به وجود آمده و در پیدایش آن، عواملی همچون مبانی اندیشه‌ای غرب جدید از قبیل اومانیسم، سکولاریسم، اندیشه سیاسی اجتماعی نوین غرب و تحولات نظام سرمایه‌داری نقش اساسی داشته است (Moshirzadeh, 2011, P19).

دیدگاه اسلام درباره زن و مادری

بیان دیدگاه اسلام درباره زن و مادری در دوره معاصر، خالی از مشکلات و دشواری‌ها نیست؛ زیرا از یک سو برخی آثار دینی و اسلامی، در نگاه نخست متفاوت و مخالف با یکدیگر به نظر می‌آیند. و از سوی دیگر، برخی عادات ملل اسلامی، با تعالیم اصیل اسلامی به گونه‌ای آمیخته شده که تصور می‌شود اینها همه از اسلام است بنابر این، ابتدا باید بین تعالیم دینی مستقیم و مستند، با عادات موروثی تمایز قائل شد و سپس بین متون دینی مستند این دو بخش را تفکیک نمود؛ بخشی درباره زنان و شئون او که مربوط به مرحله‌ای معین از تاریخ است و بخش دیگری که مبتنی بر تعالیم بنیادین و جاودان است. (Sadr, 2012, P14).

بنابر این برای تبیین مفهوم مادری باید به متن قرآن مراجعه کرد که با تصریح خداوند، مصون از تحریفات می‌باشد. آیات متعددی از قرآن به برابری زن و مرد در بهره‌مندی‌های روحانی و مقام انسانی اشاره می‌کند. (Holly Quran, Al omran. 195, Al nesa. 124, Al hojrat. 13, Al nahl. 97, Ahzab. 35)

عموم مفسران هم بر این مسأله تأکید کرده‌اند. حتی بنابر آیات قرآن، زنانی چون همسر فرعون و مریم ۶۱ مادر حضرت عیسی (ع) مخاطب وحی بوده‌اند؛ اگر چه مقام نبوت نداشته‌اند. با وجود این؛ قرآن جز در یک مورد استثنا بطور مستقیم؛ (Holly Quran, Ahzab. 28-34) زنان پیامبر را مورد خطاب قرار نداده است.

با این همه؛ با مطالعه آیات قرآن و الگوهای تاریخ اسلام می‌توان تحلیل کرد که خداوند اجرای احکام الهی را به مردان و نیز قیمومیت و سرپرستی آنها را در داخل خانواده به مردان سپرده است. هر چند این امر به معنای عدم نقش آفرینی زنان در عرصه اجتماعی نبوده است؛ چنانکه حضرت فاطمه و حضرت زینب سلام الله علیها در مواردی که با ظلم و تعدی حاکمیت وقت مواجه بودند، به ایفای نقش سیاسی و تاریخی خویش اهتمام نمودند. همچنین، نوع دستورهایی که اسلام به زن و مرد می‌دهد، در عین حال که یک راه مشترکی برای هر دو قائل است، ولی راه مخصوص را هم از نظر دور نمی‌دارد، وقتی احترام به پدر و مادر را بازگو می‌کند، برای گرامی داشت مقام زن، نام مادر

را جداگانه و بالاستقلال طرح می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

« وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً... » (Holly Quran, Ahghaf.15)

(ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند^۷، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد....)

فمینیست‌های اسلامی، فمینیسم غربی را به صورت انتقادی مورد مطالعه قرار می‌دهند. ۹ انتقاد عمده فمینیست‌های مسلمان را می‌توان در تأکید بر خانواده، انتقاد از فردگرایی افراطی، فمینیست‌های غربی و لزوم توجه به شرایط فرهنگی و منطقه‌ای زنان هر کشور و در نتیجه عدم امکان ارائه راهبردهای واحد برای تمام زنان، پیگیری کرد. خشونت در محل کار نیز شایعترین اشکال خشونت در جوامع پیشرفته غربی است. در این خشونت‌ها زنان بیشترین قربانیان را دارند. (Kappel, 1999. P23) فروکاستن زن به ابژه جنسی امر غیراخلاقی است و متضمن خوار داشت او و نادیده انگاشتن کرامت انسانی او. در جوامعی که به لحاظ فرهنگی چنین تصویری از زن رایج است و در وهله نخست، زن به ابژه جنسی فروکاسته می‌شود، باید تمام هم را مصروف فرهنگ‌سازی کرد تا نگرش جنسی محور به محاق رود.

تربیت اخلاقی و تربیت دینی

در تربیت اخلاقی تربیت دینی از جایگاه رفیعی برخوردار است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تربیت دینی توسط خانواده‌ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد. همچنین پژوهش‌ها مؤید این مطلب است که مذهب می‌تواند خویشتن داری را که عنصر اساسی در تربیت است، افزایش دهد و در این میان خانواده می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی تلقی شود. (رهبر، ۱۳۸۹: ۱۵)

تربیت دینی کودکان از همان ابتدای تولد آغاز می‌شود. درست است که نوزاد معانی کلمات و جمله‌ها را نمی‌فهمد و خصوصیات مناظر و اشکال را تشخیص نمی‌دهد. اما آنها را می‌شنود و می‌بیند و اعصاب و مغزش از آنها متأثر می‌گردد. کودک تدریجاً با آنچه دیده و یا شنیده است مأنوس و آشنا می‌گردد و همین آشنایی در آینده او مؤثر است. نوزادی که در محیط دینی پرورش یافته و صدها مرتبه آهنگ دلنشین تلاوت قرآن و لفظ زیبای خدا را شنیده با چشمش منظرهای نماز خواندن پدر و مادر را دیده است. با نوزادی که در محیط فساد پرورش یافته است و گوشش با شنیدن نغمه‌های فساد و چشمش با دیدن مناظر فحشا خو گرفته است، یکسان نیست. (شکوهی

یکتا، ۱۳۷۰: ۸۷)

تربیت دینی، همچون سایر جنبه‌های تربیت مانند تربیت جسمانی، ذهنی، اخلاقی و... فرایندی است دو سویه که باید آموخته و فراگرفته شود. با این تفاوت که این نوع تربیت از سایر انواع تربیت مهم‌تر است و باید با دقت و ظرافت خاص انجام شود. (رهبر، ۱۳۸۹: ۱۵)

پرورش و تربیت دینی، روشی است که انبیا و صاحبان ادیان و شرایع در طول تاریخ از آن استفاده کرده‌اند. آنان از یکسو توجه آدمیان را به سرانجام زندگی و پیامدهای آن معطوف داشته‌اند و از دیگر سو کمال واقعی و حقیقی انسان را در رشد ایمان به خدا و آیات و سعادت در جهان آخرت دانسته‌اند. یعنی افزون بر مطلوب بودن زندگی مسالمت آمیز در نزد عموم مردم. آنان بر کمال واقعی که همان خوشبختی در دنیای پسین است نیز تأکید داشته‌اند و انسان را موجودی جاودان و نامیرا معرفی کرده‌اند. (بنائیان، ۱۳۸۹: ۵)

یادگیری در تربیت دینی دارای سه بعد، شناختی، عاطفی و رفتاری است که خانواده‌ها در هر بعد وظایف خاصی را باید به کار گیرند که در این جا دو مورد از این ابعاد اشاره می‌شود. و در این میان نقش مادر به عنوان استوانه خانواده غیر قابل انکار است.

نهاد خانواده زیر بنایی‌ترین نهاد اجتماعی است و از نظر منزلت، شرافت و ارزش محوری می‌تواند دارای موقعیت ممتاز باشد و سرآمد ارزش‌ها قرار گیرد. رشد، بقا و سلامت جسم و جان وابسته به استواری خانواده و وظیفه شناسی مادر و پدر است. و در معارف دینی نیز تشکیل این نهاد به عنوان یک حقیقت مقدس بین خود افراد بشر و بنای عشق و مهربانی و آرامش و سکون و به عنوان آیت بزرگ الهی معرفی گردیده است. نقش شخصیت، اخلاق، عزت و عفت مادر بر استحکام این بنای بنیادین، بر هیچ کس پوشیده نیست.

«مادری» گوهری‌ترین بخش حیات زنان است و ادیان الهی بر تعظیم جایگاه رفیع مادر در کنار پدر سفارش‌های زیادی نموده‌اند. تا آن جا که قرآن کریم امر به نیکوکاری به پدر و مادر را در کنار امر به عبودیت و نهی از شرک خداوند ذکر کرده است (نساء: ۲۶).

جنسیت و عرفان اسلامی

در دیدگاه عرفانی، بسیاری از عرفا برآنند که حقیقت ذات زن و مرد یک چیز است و تفاوت‌ها از ناحیه‌ی تعینات و قالب‌ها و مسائلی خارج از حقیقت ذات است. طبق این نظر، ارزشمندی ذاتی و تکوینی زن و مرد یکسان خواهد بود زیرا مراد از حقیقت زن و مرد همان ذات و ذاتیات آن دو است.

قیصری در این باره می‌گوید: «ان المراه باعتبار الحقیقه عین الرجل و باعتبار التعین یتمیز کل

منهما عن الآخر...». (قیصری، ۱۳۷۵: ۴۷۸-۴۷۳)

زن و مرد به اعتبار حقیقت همانندند و به اعتبار تعینات هر یک از دیگری متمایز می‌شود. در عرفان، حقیقت انسان به همان روح ناطقه‌ی قدسیه‌ی اوست و کثرات خارجی همه تعیناتی هستند که خارج از حقیقت روح انسان‌اند. تعینات، امور مجازی هستند که در سنجش حقایق، دخل چندانی ندارند. مصباح‌الانس، که یکی از کتب مرجع عرفان است، تعین را این گونه معنی می‌کند: «جز یک وجود چیزی در عالم خارج نیست و کثرات، تعین یافتن و ظهور یک هستی است که آن را با کلماتی چون تعین، اتصاف، نسبت یا ظهور تعبیر کرده‌اند». (ابن فناری ۱۳۶۳: ۴۵)

این بیان قیصری را با این مثال می‌توان متناظر کرد که حقیقت آبی که در ظرف استوانه‌ای شکل و یا بیضی شکل می‌ریزند یکی است و آنچه سبب می‌شود که تفاوت‌هایی به وجود آید قالب ظرفیتی و تعینات صوری و شکل ظاهری ظروف آب است و این تعینات سبب تغییر فرمول H_2O در آب نمی‌شود. در هر حال می‌توان گفت: «کثرات، تعین یافتن و ظهور یک هستی هستند که آن را با کلماتی چون تعین، اتصاف، نسبت، مظهر و یا ظهور تعبیر کرده‌اند». (آشتیانی، ۱۳۶۵: ۴۵)

تعبیر عینیت حقیقت زن و مرد در کلام عرفا حتی ناظر به این مسئله است که این گونه نیست که آبی که در ظرف جنسیت مردانه می‌ریزند، آبی است همانند باران نازل شده از آسمان ولی آبی که در ظرف جنسیت زنانه می‌ریزند آبی است که از چاه استخراج می‌کنند، بلکه حقیقت مرد و زن به مثابه آب بارانی است که در دو ظرف متعین می‌ریزند و با تعینات ظرف، شکل ویژه‌ای می‌یابد. مثال دیگری درباره‌ی مفهوم تعین این است که دریای وجود تموج‌هایی دارد و این تموج‌ها مراتب و کلیت و جزئیت و بزرگی و کوچکی‌هایی دارند و این نسبت‌ها همان تعینات این امواج‌اند. (مستقیم، ۱۳۸۹: ۲۰۰)

پیامدها و آسیب‌های جنبش فمینیسم:

در بررسی پیامدها و آسیب‌های فمینیسم همچون دستاوردهای آن نباید جانب افراط را پیش گرفت. بسیاری از آنچه که به عنوان تضعیف نهاد خانواده یا استفاده ابزاری از زنان مطرح می‌شود، پیش از آنکه مستند به جنبش فمینیستی باشد، معلول مدرنیته و حاکمیت فرهنگ سرمایه داری است.

مناسبات جنبش فمینیسم و خانواده را در دو سطح می‌توان تحلیل کرد:

سطح نخست دیدگاه و نظریه‌های فمینیستی درباره خانواده است و سطح دوم پیامدهای نظریات و برنامه‌های فمینیستی بر ساختار خانواده است. درباره دیدگاه و نظریات فمینیستی درباره خانواده می‌توان گفت: جنبش فمینیسم با انتقاد از خانواده و نقش‌های وابسته به آن حرکت خود را آغاز می‌کند. طبیعی است که انتقادات فمینیستی از نهاد خانواده مانند بسیاری موضوعات دیگر از مواضع

ملایم‌تر آغاز و به مواضع افراطی‌تر کشیده شده است. انتقاد اولیه فمینیست‌ها که عمدتاً توسط فمینیست‌های لیبرال بیان می‌شود، حصر نقش آفرینی اجتماعی زنان به ایفای نقش در قالب نقش‌های مادری و همسری است. به عقیده چهره‌های شاخص این گروه زنان باید از تعلق خود به خانواده بکاهند و با این باور که خانه جایگاه مناسبی برای زنان است، مقابله کنند. (Moshirzadeh, 2011. P247)

اما به موازات افراطی شدن مواضع انتقادی جنبش فمینیسم، انتقاد از خانواده در ادبیات فمینیستی نیز، شدت می‌یابد. از نظر فمینیست‌های مارکسیستی، منشأ ستم بر زنان نظام خانواده است، یعنی ایدئولوژی خانواده خواهی و ساختارهای اجتماعی مناسب با آن. ایدئولوژی خانواده خواهی، نظام طبیعی تقسیم کار را سبب می‌شود که در آن مرد تأمین کننده منابع مادی و زن تیماردار و تأمین کننده خدمات رایگان است. (Abbott and Wallace, 2004. P291)

نفی و نقد خانواده در ادبیات فمینیسم رادیکال و سوسیال نیز مشاهده می‌شود؛ به زعم اینان: ازدواج همیشه مسئله‌ای یک جانبه بوده است که به شکلی نابرابر بر دو جنس تحمیل شده است مرد با ازدواج همه چیز را به دست می‌آورد و زن همه چیز را از دست می‌دهد، قانون استبدادی و حاکمیت شهوات از آن مرد است و انقیاد بردبارانه و فروتنانه و اطاعت محض صرفاً مناسب زن تلقی می‌شود. (Jaggar, 2008. P176)

فمینیسم و مسأله مادری

نظر فمینیست‌ها در باب مادری را عمدتاً باید در مباحث آنان پیرامون بیولوژی تولید مثل جستجو کرد که در ادامه به طور مستقل به آن خواهیم پرداخت. اما موضوعات مربوط به مادری همواره برای فمینیست‌ها موضوعات مشکلی بوده است، زیرا آنان را در میان مجموعه‌ای از بحث‌های ایدئولوژیکی، بیولوژیکی و ساخت اجتماعی مادری گرفتار می‌سازد. (DiQuinzio, 1999. P52-67) با انتشار کتاب ریچ (Rich) (۱۹۷۶) موضوع مادری مرکز بحث‌ها و تحقیقات فمینیستی قرار گرفت. این کتاب مادری را به عنوان تجربه، از مادری به عنوان نهاد جدا می‌سازد. در نظر ریچ؛ مادری به عنوان تجربه در بدن زن محصور است و تحت نظارت فرهنگ و زبان نیست و به طور مستقیم برای زنان قابل حصول است، اما مادری به عنوان نهاد این اطمینان را حاصل می‌کند که همه ظرفیت‌ها و همه انسان‌ها تحت کنترل مردان باشند. از همین رو به نظر وی در فرهنگ‌های پدرسالارانه مادری و زنانگی در کنار هم در نظر گرفته می‌شوند و هویت مادری امری طبیعی تلقی می‌شود که مساوی زنانگی می‌باشد. (Sadeghi Fasai, 2005. P54-73)

همچنین گروه دیگری از فمینیست‌ها تحت عنوان فمینیست‌های طرفدار تساوی، مسائل را برای

زنان خصوصاً مادران مشکل‌تر ساخته‌اند. آن‌ها نه تنها خانواده را به عنوان یک نهاد تحقیر کرده‌اند، بلکه ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی نموده‌اند تا آنجا که افرادی چون گرینا معتقدند که قانونگذاری در مورد حقوق مادری و زایمان در واقع تقویت‌کننده تصاویر سنتی از نقش‌های جنسیتی و مادری است (Guerrina, 2001.P14)

برخلاف این دسته، فمینیست‌های طرفدار تفاوت معتقدند که زنان نیازهای خاصی دارند و این یک حقیقت بیولوژیک است که فقط زنان می‌توانند بچه‌دار شوند، لذا باید مورد توجه و احترام قرار گیرند؛ اما عده‌ای از فمینیست‌های تندرو چون فیرستون (Firestone, 1970) تا آنجا پیش می‌روند که بیولوژی تولیدمثل را موجب سرکوب زنان می‌دانند. وی برای حمایت از ادعای خود به نظریه مارلین فرای (Marilyn Frye, 1983) در مورد سرکوب و نظریه مارکس‌آدر مورد حذف تسلط و سرکوب متوسل می‌شود. مطابق نظریه مارلین فرای سرکوب و تسلط یک سیستم سیاسی-اجتماعی می‌باشد و طوری طراحی شده که یک طبقه عامدانه بر طبقه دیگر تسلط داشته باشد و سیستم سرکوبگر از موانعی استفاده می‌کند که گروه زیردست را محدود می‌سازد. این موانع می‌تواند در قالب هنجارها، قوانین، رویه‌ها و عملکردهای اجتماعی باشند و مانع توسعه و رشد افراد زیردست گردد. (Sadeghi Fasai, 2005.P54-73)

«فیرستون» در این موضوع نیز با مارکس مشترک است که هر نوع و شکلی از سرکوب ناعادلانه است و باید روش‌هایی را برای حذف آن‌ها پیدا کرد؛ لذا وی در پی تبیین موانعی است که زنان را محدود می‌کند. وی خشونت‌های جنسی، محدودیت‌های زنان در مقایسه با مردان، بچه‌داری و پرورش بچه را بعضی از این موانع می‌داند و ادعا می‌کند که غالب‌ترین و رایج‌ترین موانع به واسطه بیولوژی تولیدمثل ایجاد می‌شود. (Firestone, 1970).

حرکت اجتماعی فمینیست‌ها و تلاش آن‌ها جهت آزادی زنان از تولیدمثل، نتایج غیر منتظره‌ای را به بار آورده است. بسیاری از زنان و دختران انقلاب جنسی که از ایده فمینیست‌ها در مورد تولیدمثل استقبال کردند، در نهایت این طرح را تنش‌آفرین و آزاردهنده یافتند، به ویژه زمانی که خود را در سنین میان‌سالی دیدند، در حالی که دارای شغل و شرایط مناسبی بودند، اما باروری آن‌ها کاهش یافته بود. (De Beauvoir, 1975.P315-325)

«سیمون دوبوار» در تشخیص این مطلب که زنان امیدوارند در دنیای مدرن نسبت به تولیدمثل سنتی قدرت و کنترل بیشتری در دست داشته باشند، درست فکر می‌کرد، اما این گونه خواسته‌ها و

۱ Guerrina.

۲ Karl Marks.

آرزوها جدل‌های اخلاقی جدی را در پی داشته است. تشویق فمینیسم معاصر نسبت به «انتخاب در تولید مثل» و «ستایش فردگرایی» بحث‌های قوی را در مورد دسترسی به وسایل جلوگیری و تکنیک‌های تولیدمثل ایجاد می‌کند.

از نظر سیمون دوبوار؛ فرزند آوری باعث می‌گردد زنان از انجام امور خارج از منزل از جمله اشتغالات سیاسی و اجتماعی محروم شده و مجبور شوند مدت زمان طولانی در منزل به مراقبت از فرزند یا فرزندان‌شان بپردازند که در واقع باعث به هدر رفتن بهترین سال‌های عمر آنها می‌گردد، در نتیجه نوعی اسارت محسوب می‌شود. وی در کتاب جنس دوم بیان می‌دارد که به باور وی «انسان زن زاده نمی‌شود بلکه تبدیل به زن می‌شود» (De Beauvoir, 1975.P323) و دختران به علت تاثیری که از جامعه می‌گیرند از اوان کودکی نقش‌های فرهنگی معینی را می‌پذیرند.

وی معتقد است که ساختارهای فرهنگی موجود از جمله مادرانگی باعث می‌شود که زنان به استقلال اقتصادی نرسند و در نتیجه نسبت به مردان فرودست بمانند. وی بخشی از کتاب خود را مادر نام گذاری کرده و به بررسی مسئله مادری در زنان می‌پردازد. این قسمت با ستایش او از حق سقط جنین برای زنان آغاز می‌شود، وی با اشاره به مشکلات زنان در بارداری‌های ناخواسته و خطرات سقط جنین‌های پنهانی، به محکوم کردن قوانین آن زمان که سقط جنین را ممنوع می‌دانستند می‌پردازد. (De Beauvoir, 1975.P345-385) از نظر او جنین «بافت انسانی ناخواسته» است و با این تعبیر ارزش تولد نوزاد و مادری را تحقیر نموده است. وی به تعبیر عجیبی در مورد نطفه در شکم مادر اشاره می‌کند و سعی دارد بیان نماید که بدن زن در ابتدا از نظر بیولوژیک و زیست شناختی پذیرای جنین نیست. وی جنین را یک زائده گوشتی می‌داند که بدن زن، با تهوع سعی در دفع این موجود ناخواسته دارد. (De Beauvoir, 1975)

از نظر سیمون دو بوار نوزاد هم بعد از تولد حس خوبی برای مادر به همراه ندارد چرا که گذشته از وضع حمل عذاب آور مادر که انتظار دارد این موجود سهمی از وجود او باشد، در می‌یابد که او موجودی مستقل است و این موضوع باعث سرخوردگی و نومیدی زن می‌شود. مادر دوران بارداری را بدون او گذرانده و هیچ گذشته مشترکی با این موجود ندارد، در طول بارداری او تصویری از نوزاد در فکر خود داشته و از آن لذت می‌برده در حالی که بعد از وضع حمل می‌بیند که او بالاخره کاملاً واقعی حضور دارد و این موضع گاهی باعث تاسف مادر می‌شود. از نظر سیمون دو بوار، بعضی زن‌ها می‌توانند با فرزند خود رابطه‌ای صمیمانه برقرار کنند و به او شیر بدهند، ولی بسیاری نیز نمی‌توانند کودک خود را قبول کنند و بی‌اعتنایی حیرت‌آلود ساعت‌های اولیه مدتها ادامه می‌یابد. در واقع از نظر سیمون دو بوار بعضی از نوزادان برای مادر جذاب و یگانه و بعضی

دیگر مبتدل و نفرت انگیز به نظر می‌رسند. (De Beauvoir, 1975, 225 - 267)

در حالی که فمینیسم زن و مرد را در مقابل هم قرار می‌دهد و از آن‌ها برای هم رقیب می‌سازد، در اسلام زن و مرد دو وجه از وجود هستند. رابطه زن و مرد یک رابطه دو طرفه و مبتنی بر درک دو جانبه است. دین اسلام، زن‌گرا یا مردگرا نیست، اسلام خداگراست و سعی می‌کند که بهترین وجه انسان‌ها را در آنان شکوفا سازد، نه زنانگی یا مردانگی آن‌ها را. اسلام، زن را انسان تلقی می‌کند و برای او احترام قائل است. و فرصت‌هایی را به زنان ارائه می‌کند که در فضای مقدس و شریفی که به آنها نشان می‌دهد؛ ازدواج کنند و مادر شوند و مادری وجه مهمی از زندگی زن است. (Sadeghi, Fasai, 2005, P54-73)

عرفان اسلامی و مسأله مادری

تربیت دینی فرزندان و آشنا کردن آنها با خداوند و مسائل عبادی دین و اخلاقیات جزء وظایف والدین است از طرفی باید توجه داشت کودکان فطرتا خداشناس هستند و برخورد و تربیت والدین در امر تربیت باید به نحوی باشد که سبب شکوفایی فطرت آنها شود.

در سیره معصومان (ع) هنگام آغاز تربیت کودک پیش از تولد دانسته شده است؛ اما، نه از بیت سال قبل، بلکه از زمان ازدواج و انتخاب همسر. با انتخاب همسر نخستین زمینه‌های شکل‌گیری کانون تربیت رقم می‌خورد، زیرا عوامل موثر در تربیت، صرف نظر از فطرت، که اختیار آن به دست انسان نیست، شامل عوامل ارثی و محیطی است. با انتخاب همسر پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته می‌شود؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهند. در میان این دو، مهمترین نقش را محیط خانواده ایفا می‌کند؛ چرا که کودک حساس‌ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده می‌گذراند و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می‌روند.

پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) نیز، هم دیگران را به این امر خطیر سفارش کرده و هم خود در انتخاب همسر دقت کرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود (جایگاهی مناسب) انتخاب کنید»

از دیگر ویژگی‌هایی که در سیره معصومان (ع) برای انتخاب همسر به آن توجه شده است، رفتار نیکو و ادب همسر است. خوش اخلاقی از ویژگی‌های مهمی است که در انتخاب همسر باید به آن توجه داشت.

روایت شده است که امام سجاد (ع) از اخلاق نیک زنی تعجب کرد. پرسید آیا این زن همسری دارد؟ گفتند: نه او مجرد است. امام از او خواستگاری و با او ازدواج کرد و چیزی از اصل و نسب او

نپرسید، مردی از انصار از اینکه امام از اصل و نسب آن زن نپرسید و با او ازدواج کرد تعجب کرد. لذا از اصل و نسب زن تحقیق کرد و به امام خبر داد که او از طایفه بنی شیبه است. امام فرمود: تو را خوش فکترتر از این می‌دانستم، آیا نمی‌دانی که خدا با اسلام پستی‌ها و کاستی‌ها را جبران کرده است. (محمدی، ۱۳۹۳، به نقل از مکارم شیرازی، ج ۲: ۳۴۲)

در پایان این بحث باید بگوییم که در اسلام اهمیت انتخاب زن بیشتر از اهمیت انتخاب شوهر است و نقش تربیتی زن از مرد بیشتر است این مطلب را از روایات معصومان به خوبی می‌توان برداشت کرد.

پیامبر (ص) در مورد انتخاب زن می‌فرماید:

«بنگر که فرزندی را در چه نسل و نژادی قرار می‌دهی، زیرا رگ و ریشه خانوادگی در فرزند اثر می‌گذارد». (ابن فهدحلی، بی تا: ۳۱۱)

شرایطی که روایات برای مرد بیان کرده اند برای تحصیل آسایش همسر است اما شرایطی که برای زن بیان کرده اند، بیشتر یا همه مربوط به تاثیر آن شرایط بر فرزند است روایتی از امام صادق شاهد بر این مدعاست در این روایت امام می‌فرماید:

«با مرد احمق ازدواج کنید ولی با زن احمق ازدواج نکنید، زیرا مرد احمق فرزند نجیب می‌آورد، ولی زن احمق فرزند نجیب نمی‌آورد». (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۳۴)

مادری، کارکرد مهمی برای زن محسوب می‌شود و البته زن برای مادر شدن باید نقش همسری را پذیرفته باشد. هیچ پیوندی از لحاظ مودت و الفت به مانند پیوندی که میان زن و شوهر از طریق ازدواج برقرار می‌شود، وجود ندارد. لذا خداوند متعال آن را از نشانه‌های قدرت و عظمت خود معرفی می‌کند. (الروم: ۲۱) مادر نیز بارزترین منشأ آسایش و مهر، و عالیترین منبع سعادت خانوادگی است.

شان مادری، و شرافت و مسوولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه‌ای در متون دین به منزلت مادر و نقش تاثیرگذاری آن و طبعاً مسوولیت‌های وی شده است.

قرآن کریم در دو مورد وقتی سفارش احسان و نیکی به پدر و مادر را یادآور می‌شود به دوران دشوار بارداری مادر و تولد فرزند شیر خوارگی آن اشاره می‌کند در یک مورد آن، از «انسان» می‌خواهد که شکرگذار و پدر و مادرش باشد.

«و وصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرهاً و وضعته کرهاً و حمله و فصاله ثلاثون شهراً» (لقمان / ۱۴).

ارزش دوران بارداری و شیر دادن با مرزبانی در راه خدا برابری می‌کند و اگر این دوران دشوار

منجر به فوت مادر شود، جایگاهی چون شهید خواهد داشت و این سخنی است که به نقل از علی (ع)، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ زنی فرمود که پرسید: پس زنان را از ارزش جهاد چه بهره‌ای است. « ذکر رسول الله (ص) جهاد فقالت امره لرسول الله (ص): یا رسول الله فما للنساء من هذا شیء؟ فقال: للمرأة ما بین حملها الی وضعها الی فطامها من الاجر کالمربط فی سبیل الله فان هلکت فیما بین ذلک کان لها مثل منزله الشہید:» (البقره/۲۳۳)

هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد که مادری و مسوولیت‌های آن، یک محور اساسی و بدون جایگزین در حرکت جامعه اسلامی و سلامت آن می‌باشد.

قرآن نهاد خانواده را کانونی برای تربیت (پرورش استعدادهای درونی) و رشد توانایی‌های بالقوه فرزندان می‌شناسد و برای سامان یابی ثمربخشی و وظیفه کودک پروری، نقش و کارکرد هر یک از پدر و مادر را تعیین می‌کند.

« والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعه و علی المولود له رزقهن و کلسوتهن بالمعروف... لاتضار والده بولدها ولا مولود له بولده...»

« مادران و فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند، (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیر خواری را تکمیل کند و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (=پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد) هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست نه مادر (به خاطر اختلاف) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر»
برخی پنداشته اند که این تقسیم وظیفه به عصر و زمانی دارد که مادران خانه نشین بوده‌اند، از سوی دیگر قرآن خود تصریح کرده است که این حکم الزامی نیست. بنابراین می‌تواند موسسات پرورش کودک، پدر و یا هرکس دیگری جانشین مادر شود و تربیت کودک را بر عهده بگیرد. و برای شیر مادر نیز غذای مناسب، جایگزین گردد.

در پاسخ باید گفت، که این تقسیم وظایف بین پدر و مادر در نگرش قرآنی، نه دل بخواهانه فاقد بنیان‌های معرفتی و انسان شناختی که بر آمده از متن طبیعت، آفرینش و استعدادهای متفاوتی است که برای هر یک از زن و مرد وجدی دارد. استعدادها طبیعی مرد همچون توانایی جسمی، سخت کوشی، خشونت و... او را در جایگاه نان آور و پاسبان خانواده قرار داده است. مهر و عطوفت، ظرافت و لطافت طبع، صلح جویی، رقت قلب، شکیبایی و... زن را وظیفه‌ی مادری، تربیتی و پرورشی بخشیده است.

این حقیقت در دنیای امروز که دنیای فاصله گرفتن مادران از فرزندان و پرداختن به کار بیرون از منزل است، نسبت به سایر زمان‌ها و روشن‌تر شده است که هیچ، جایگزینی برای شیر مادر

نمی‌توان سراغ گرفت و هیچ پرورش گاهی نمی‌تواند احساس، عاطفه، گرما، آرامش، نیروبخش و سایر کارکردهای روانی و عاطفی آغوش مادر را جبران کند.

دکتر بنیامین اسپاکی روان‌پزشک و متخصص کودکان در آمریکا عصاره دریافت سال‌ها پژوهش و تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی خود در این باره را چنین بازگو می‌کند:

«کودکان می‌توانند رشد و تربیت طبیعی داشته باشند، برای رسیدن به این هدف من به نتایجی رسیده‌ام که به طور خلاصه از این قرار است: ساعتی بعد از تولد نوزاد، فرزند را در اختیار مادر قرار می‌دهند، تا او را مدتی لمس کند، تغذیه با پستان مادر باید تشویق شود تا حد امکان نوزاد هنگام انجام کارها، همراه مادر باشد». (بنیامین، ۱۳۶۲: ۵۴۴)

در عرفان اسلامی جایگاه زن و مادر با نقش و جایگاه حضرت فاطمه (س) توصیف و تبیین می‌گردد. در بینش عرفان اسلامی، مراحل ظهور عالم وجود از نخستین تجلیات حق تعالی شروع شده و به منتهی‌الیه درجات ظهور فعلی در عالم خاتمه می‌یابد که از آن به دو قوس «نزول» و «صعود» تعبیر می‌شود. قوس نزول که در عرفان نظری مطرح است، مراحل ظهور و تجلیاتی است که موجب تحقق مظاهر وجود با درجات و مراتبی متناسب با سعه و ضیق آنها می‌شود. از وجود مقید به تعیین «هوالاول» شروع شده و به اضعف مظاهر خلقت (عالم ناسوت) می‌رسد. قوس صعود مراحل کمال‌یابی است که از ناسوت شروع می‌شود و به واسطه امدادها و فیوضات حق به عوالم ملکوت و جبروت و در نهایت به فناء فی الله و بقاء بالله منتهی می‌شود. (آل رسول، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

قوس نزول وجود، از اولین مخلوق الهی یعنی نور وجودی پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌گردد: «اول ما خلق الله نوری» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ۱۰) و سایر مراتب و مخلوقات همه از او و پس از اوست: «ابتدعه من نوره و اشتقه من جلال عظمته» (همان، ص ۲۴) که در احادیث متعددی این نور به حضرت علی (ع) و اهل بیت رسول الله (ص) نیز نسبت داده شده است؛ گاه به صورت جمعی و گاه به لحاظ مراتب. قال رسول الله (ص): «ان الله خلقني و علياً و فاطمة و الحسن و الحسين من قبل ان يخلق الدنيا بسبعة الاف عام. قلت فاین كنتم يا رسول الله؟ قال: قدأم العرش نسبح الله و نحمده و نقدسه و نمجده». (همان: ۸) (رسول الله فرمودند: خداوند تعالی من و علی و فاطمه و حسن و حسین را هفت هزار سال قبل از اینکه دنیا را خلق کند، آفرید. از ایشان سوال کردم یا رسول الله شما کجا بودید؟ فرمودند: ما در عرش تسبیح و تحمید و تقدیس الهی و تمجید الهی می‌کردیم).

در حدیث دیگری نیز وارد شده است: «خلق من نوری علیاً، فدعاه فأطاعه و خلق من نوری و نور علی فاطمة، فدعاه فأطاعته، خلق منی و من علی و من فاطمة الحسن و الحسين، فدعاهما فأطاعاه، فسمانا بالخسمة الاسماء، من اسمائه الله المحمود و انا محمد، والله العلی و هذا علی، والله

فاطر و هذه فاطمه، والله ذوالاحسان و هذا الحسن، والله المحسن و هذا الحسين ثم...» (همان: ۱۰)
 خداوند از نور من نور علی را خلق کرد، سپس وی را خواند و او اطاعت کرد، از نور من و علی
 فاطمه را خلق کرد، سپس وی را خواند و او اطاعت کرد، از نور من و علی و فاطمه، حسن و
 حسین را خلق کرد، سپس آن دو را خواند و آنها اطاعت کردند و ما را به پنج نام از اسماء خود
 نامید. اسم او «المحمود» است و من محمد، او «العلی» است و این علی، او «الفاطر» و این فاطمه، او
 «ذو الاحسان» است و این حسن، او «المحسن» است و این حسین...).

با دقت در این احادیث سر جایگاه حضرت فاطمه (س) در عالم تکوین گشوده می‌شود؛
 حضرت محمد (ص) (حقیقت محمدیه (ص)) اولین تجلی آن وحدت غیبی ذات اقدس الهی است
 که نور وجود حضرت علی (ع)، از لاتعینی به تعین علمی آمدن آن است و حضرت فاطمه (س) به
 آن تعین، ظهور عینی بخشیدند، به همین جهت «زهرا» نامیده شدند. استعدادهایی که در اعیان ثابت
 بوده توسط نور وجود ایشان تحقق و ظهور پیدا کرده و از ظلمت قوه به نور فعلیت تبدیل شد؛ لذا
 عوالم تعین همه مدیون فاطمه (س) هستند: «ثم فتق نور ابنتی فاطمه فخلق منه السموات و الارض،
 فالسموات و الارض من نور ابنتی فاطمه، فاطمه افضل من السموات و الارض». (همان، ج ۲۵: ۱۶)
 (سپس نور دخترم فاطمه را شکافت (منتشر کرد) و از او آسمان و زمین را خلق کرد، پس آسمان‌ها
 و زمین از نور دخترم فاطمه‌اند؛ در حالی که فاطمه برتر از آسمان و زمین است). اگر فاطمه (س)
 نبود، زمین و آسمان و انسان‌ها تعین نمی‌یافتند و در حالت استعدادی خود باقی می‌ماندند.

در ساحت عرفان چشم‌اندازی است که در آن پدر را عقل کل و مادر را نفس کلی در موجودات
 و کائنات می‌نامند. آیت الله حسن زاده آملی در کتاب فص شریف حکمه عصمیه فی کلمه فاطمیه،
 این مطالب را به عنوان یک اصل و مبنای مهم تلقی فرموده و به بیان و شرح این حقیقت پرداخته‌اند.
 ایشان در شرح فصوص الحکم نیز در این باره می‌نویسند: «عقل کل پدر و نفس کلی مادر است و
 همه‌ی موجودات از آن ظهور یافته است اما انوار و فضایل فاطمه زهرا به طور کامل مظهر نفس کلیه
 است، پس او مادر پدری است که خاتم انبیاست». (حسن زاده آملی ۱۳۷۸: ۶۴۷ و ۶۴۸)

در هر حال، عقل کلی یا نفس کلی هر دو حقیقت انسان کامل‌اند و حقیقت انسان کامل از حیث
 روح و عقل و یا به لحاظ قلب به دو مرتبه‌ی عقل کل و نفس کل ثنویت می‌یابند.

باید گفت بحث جنسیت در مراحل بالای سلوک منتفی است و اگر صحیح باشد که گفته شود
 که ارزش مادر نسبت به ایجاد فرزند بیشتر است یا ارزش پدر؟ آن‌گاه می‌توان گفت نسبت خلقت
 کائنات در رابطه با نفس کل ارزشمندتر است یا عقل کل؟ ممکن است در پاسخ این سؤال این
 مطلب به ذهن تبادر کند که ارزش نفس کل از این جهت بیشتر است و لکن نکته این است که نفس

کل در مراتب صدوری عالم پس از عقل کل قرار دارد. پس عقل کل در این چشم‌انداز به وجود آورنده‌ی نفس کل است و آن‌گاه نفس کل نسبت به ذرات کائنات، جنبه‌ی مادری پیدا می‌کند. (مستقیمی، ۱۳۸۹: ۲۱۹)

نتیجه‌گیری:

فمینیست‌ها با ادعای کسب تساوی برای زنان، بحث مادری را در حوزه تولیدمثل قرار داده و به شدت از آن انتقاد نموده و سعی کردند که زنان را شبیه مردان سازند. اما با این کار نه تنها موفق نگردیدند که بازار کار را جهت تأمین نیازهای زنان تغییر دهند، بلکه همزمان موجب شدند که زنان حقوق خود را که در ازدواج از آن برخوردار بودند، از دست بدهند. یکی از مشکلات اساسی فمینیسم غربی این است که موقعیت ایده‌آل را موقعیت مردان می‌داند و در نتیجه در همان دامی گرفتار می‌شود که از آن می‌گریخت، یعنی درک مردانه از زندگی.

از طرف دیگر؛ تأکید اسلام بر مراقبت زنانه و به ویژه بر نقش مادری از یک سو بر تبیینی غایت‌شناسی مبتنی است که بر محور کارکردهای مثبت تفکیکی وظایف زن و مرد دور می‌زند و در نتیجه اسلام به این موضوع به عنوان یک اولویت مهم و نه یک امر الزامی می‌نگرد و از سوی دیگر از پاره‌ای تفاوت‌های طبیعی برخاسته است که اسلام آنها را بین زن و مرد مفروض می‌گیرد. از این رو اسلام با تأکید بر ابعاد معنوی مادری کوشیده است تا سلامت روانی و احساس رضایت و امید را در مادران تقویت کند و افزون بر آن، منزلت والای مادران در اسلام و توصیه‌های وجوبی و استحبابی در باب احسان و نیکی به والدین به ویژه مادران، زمینه از خودبیگانگی آنها را تا حد زیادی از میان برده است و رابطه توأم با محبت و احترام متقابل بین والدین و فرزندان در بیشتر خانواده‌های مذهبی گواه این مدعاست.

در عرفان اسلامی، جنسیت اعتباری ثانویه دارد و در نظام تعینات زن و مرد به اعتبار حقیقت عین هم معرفی شده‌اند و تمایزات به اعتبار تعینات است. در نظام تجلیات زن و مرد هر دو جلوه‌ی اسماء الهی هستند با این تفاوت که زن مظهریت بیشتری در جمال و مرد مظهریت بیشتری در جلال دارد. برخی از عرفا بنا بر دلایلی معتقدند که زن در مظهریت خدا تابناک از مرد است (یکی از آن ادله این است که زن می‌تواند جامع فاعلیت و منفعلیت حق باشد)؛ اگر زن را به عنوان مظهر نفس کل و مرد را به عنوان عقل کل معرفی کنیم از بعضی جهات مانند جهات صدوری عقل کل تقدم دارد و در برخی جهات نظیر جهات ظهوری نفس کل ارزشمندتر است. همچنین در عرفان اسلامی حضرت فاطمه (س) به عنوان نماد و شاخص نقش مادری و همسری مورد توجه است. اگر زن در مدار «زن کامل بودن» و مرد در مدار «مرد کامل بودن» حرکت کنند «فروتری‌ها» و «برتری‌ها» در این

سنجه بی معنا خواهد بود. چنانچه وقتی علی (ع) به عنوان یک انسان کامل و مرد کامل و فاطمه (س) به عنوان یک انسان کامل و زنی کامل است، نمی توان به راحتی سخن از برتری یکی بر دیگری (به جهت مرد یا زن بودن آن دو) به میان آورد. بنابراین پیش فرض فمینیست در جنس دوم بودن زدن در جوامع (حداقل در عرفان اسلامی) بحثی بی اساس است.

بحث های فمینیستی در مورد مادری با یک نوع تضاد و دوگانگی روبروست تا آنجا که موجب چندگانگی بین فمینیست ها گردیده است. فمینیست های تندرو با تحقیر نهاد خانواده ارزش مادری را حاشیه ای و غیرمهم تلقی کرده و با تأکید بر تساوی میان زنان و مردان، بدون در نظر گرفتن جنسیت، زحمات و اهمیت کار زنان را در دوران حاملگی، به دنیا آوردن فرزند، شیردادن و پرورش نسل بعد نادیده می گیرند. تندروهای سنتی با تأکید بر نقش های خانه داری و مادری از زنان می خواهند که در خانه بمانند و بچه داری کنند؛ بنابراین فمینیسم غربی در یک بازنگری اساسی باید روزه ای را برای فهم موقعیت زنان دیگر و فرهنگ های مختلف بازکند، زیرا انکار تجربه و موقعیت زنان مسلمان و رنگین پوست، دیگر کار ساده ای نیست، البته تأکید بر جایگاه زن در اسلام بدین معنا نیست که در جوامع اسلامی مطابق دستور اسلام با زنان رفتار می شود، برعکس در میان کشورهای اسلامی تفاوت های زیادی دیده می شود و طیف وسیعی از نگرش ها نسبت به زنان در دنیای اسلام وجود دارد و این نگرش ها از یک جامعه تا جامعه دیگر و از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است. روند کلی در کشورهای اسلامی به نحوی آشکارا نشان می دهد که تقریباً کلیه کشورهای اسلامی به نحوی از ایده آل هایی که اسلام برای زنان در نظر گرفته است، تخطی کرده اند و این تخطی ها عمدتاً در دو جهت متضاد بوده است.

- ۱- آشتیانی، سیدجلال الدین، (۱۳۶۵)، شرح مقدمه قیصری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲- آل رسول، سوسن، (بهار ۱۳۸۷)، اسرار وجودی حضرت زهرا سلام الله علیها، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۹ (۱۵۱ تا ۱۷۲)
- ۳- ابن فناری، شمس الدین محمد، (۱۳۶۳)، مصباح الانس، تهران، فجر.
- ۴- ابن فهد حلّی، احمد، عده الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: احمد موحدی قمی، قم، مکتبه الوجدانی، بی تا.
- ۵- بنیامین، اسپاک، (۱۳۶۲)، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میر عابدینی، چاپ اول، تهران، نشر چکامه.
- ۶- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، تهران، اسلامیه.
- ۷- حسن زاده آملی، حسن و محمد حسین نایینی، (۱۳۷۸)، فص حکمه عصمیه فی کلمه فاطمیه، قیام.
- ۸- قیصری، داوود، (۱۳۷۵)، شرح مقدمه، تهران، علمی ۱.
- ۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، «بحارالانوار»، بیروت، موسسه الوفا.
- ۱۰- محمدی، احمد، (۱۳۹۳)، خانواده، مادر و جایگاه مادری، مشهد: اترک.
- ۱۱- مستقیمی، مهدیه السادات، رابطه‌ی ارزشمندی و جنسیت در دو تحلیل عرفانی و قرآنی، مطالعات راهبردی زنان - پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۴۹ (۱۹۷ تا ۲۳۴)

12. Holly Quran

13. Abbott, Pamela and Wallace, Claire. (2004). Female Sociology. Manije Najme Araghi, the world of mother Publication. Tehran.

14. Ahmadi, Mohammadreza. (2005). The defference between man and woman from view point of Psychology and Religious texts. Marefat journal. N.97. Dey. Tehran [Persian]

15. Aminzadeh, Mohammadreza. (1993). Outstanding status of women in creation. Islamic divertisment organization. Tehran [Persian]

16. Azadarmaki, Taghi. (1992). Sociological theory of Women Rights. Culture Keyhan. No.1. Tehran [Persian]

17. Azadarmaki, T. (۲۰۰۷). [The Sociology of Iranian Family]. Tehran: SAMT Publication [in Persian].

18. Bork, Robert H. (2000). Feminism. A Report on "The Role of Extremist Feminism on Decline of Amerrica", Translate by Akhavan, Bahram. No.17, pp.118-125

Archive of SID

19. Bostan, Hossein. (2003). Sexual inequality (harassment) to women from view point of Islam and Feminism. Pazhoheshgah Hozeh publication. Qom [Persian]
20. Castells, Manuel. (2001). The Rise Of The Network Society. Translate by Chavoshian Hassan, Nashr-e-Ney. Tehran.
21. Davidson, Nikolasse. (1998). The deficiency of the thory of Feminism with respect to Feminism, translate by Taha cultural Institute. Research Institute of culture and Regligion, Qom
22. De Beauvoir, Simone. (2009). Second sex. Tranlate by Sanavi, Ghasem. Tous publication. Tehran
23. De Beauvoir, Simone. (1975), The Second Sex trans. H. M. Parshley. New York: Alfred A. Knopf.
24. De la campani, Christan. (2001). History of philosophy in the 20th century towqrd a philanthropic society with respect to Feminism. Translate by Parham, Bagher. Agah publication. Tehran.
25. DiQuinzio. Patrice, (1999) , The Impossibility of Motherhood: Feminism, Individualism, and The Problem of Mothering. New York: Routledge
26. DiQuinzio. Patrice , (1993) , Exclusion And Essentialism In Feminist Theory: The Problem Of Mothering. Hypatia , Summer v8 n3 p1 (20).
27. Dorant, Wil, Philosophy. (1988). Pleasure of Philosophy. Translate by Zaryab Khoi, Inghelab publication, Tehran.
28. Firestone, Shulamith. (1970) , The Dialectic of Sex. New York: Bantam
29. Friedan, Betty. (1963) , The Feminine Mystique. New York: Norton.
30. Freedman, Jane. (2007). Feminism. Translate by Mohajer Firoozeh. Nashr-e-Ashian. Tehran
31. Gardner, William. (2002). War against Family.Translate by Mohammadi Massomeh. Institue of wonen’s studies and researches. Tehran.
32. Goldstein, L (1982). “Early Feminist Themes in French Utopian Socialism: The St.-Simonians and Fourier”, Journal of the History of Ideas, vol.43, No. 1.

33. Guerrina, Roberta. (2001), Equality, Difference And Motherhood: The Case For A Feminist Analysis Of Equal Rights And Maternity Legislation. *Journal of Gender Studies*, Vol.10, No.1.
34. Harding, Sandra. (2003). *Gender and Science*. Translate by Jandaghi Behrooz. Woman and family research center. Tehran.
35. Hazeri, Alimohammad. (2012). Sociological analysis on the variety of women movements in the Islamic countries of the Middle East. *Sociological Studies Magazine*. Vol 6, No. 2, Tehran [Persian]
36. Hosseini, Hadi. (2000), The Biological Differences of man and woman. Book of critique, No. 17, pp 220-259. Tehran [Persian]
37. Hakimi, Mohammad. (1999). *Defending Woman Rights*, Qods Razavi institution under the supervision of Mohammad Hakim. Mashad [Persian].
38. Ishaghi, Syedhossein. (2008). *Survey on Feminism and its consauences outsanding status of women*. Andisheh publication. Tehran [Persian].
39. Jaggar, Alison. (2007). *Four attitudes on Feminism, feminist policies and human nature*. Translate by Amiri, S.
40. Jaggar, Alison (1989). *Gender/Body/Knowledge: Feminist Reconstructions of Being and Knowing*, New Brunswick and London: Rutgers University Press.
41. James, Suzan. (2003). *Collected essays of Rutledge encyclopedia* , Translate by Yazdani, Jandaghi, *The Quarterly Journal of Women's Books*, Tehran
42. Kappel, Ranken, (2008). *Cruelty or Harassment in working places*, Translate by Ministry of Cooperative, Labor and Social Welfare, Tehran.
43. Karami, Mohammad Taghi and Nasim Mahboobi Sharyat Panahi. (2013). *Islamic Feminism concept and possibilities*. Woman and family research center. No.15, Vol 59. [Persian]
44. Khorramshahi, Bahaoddin, (1992). *Dictionary of philosophy and social sciences*, second edition, Tehran. (Persian).
45. Michel, Andre. (1998). *Women Social Mouvement*. Translator Homa Zanzanizadeh, Nik publication. Mashad.

46. Moshirzadeh, Homeyra. (2011), From movement toward Sociological Theory, The History of two Centuries of Feminism, Nashr-e-Tirajeh, Tehran. [Persian]
47. Mottahari, Morteza. (1982). Guiding the younger. (10 chapters) recited in the collected works. Vol 24. Published by The Center for Computer Science of Islamic Sciences, (Library Base Digital Light), Qom, [Persian]
48. Mottahari, Morteza. (1984). Men and Women Rights from Islamic aspects. First volume. The secretarial of the study plan insights, Qom, [Persian]
49. Payn, Michel. (2007). Trace of critical thoughts since the Enlightenment to Post Modernism. Translate by Izadjoo, payam. Markaz publication. Tehran
50. Rich, Adrienne. (1976), Of Woman Born: Motherhood As Experience And Institution. New York: Norton.
51. Roudgar, Narjesse. (2009). Feminism, history, theory. Study of the women. Qom. [Persian]
52. Shahidyan, Hamed. (1998). Islamic Feminism and the movement in Iran, Iran Letter quarterly research journal, No.64. America
53. Sadeghi Fasai, Soheila. (2005). The Challenge of Feminism and Motherhood, The Quarterly Journal of Women's Books, No.7, Tehran. [Persian]
54. Sadr, Moosa. (2012). Zahra, Achapter from the Mission. Translate by Hojatti Kermani, Ali, Nashr-e-Shahr. Tehran.
55. Sajadi, Seyed Mehdi. (2005). Feminism post modernism. The Book of Women. Vol.8, No.29
56. Schröter , Susanne, Welche Chancen hat der islamische Feminismus? SEITE 32 • DIENSTAG,. NOVEMBER)2011(• NR. 272 , FRANKFURTER ALLGEMEINE ZEITUNG
57. Sidel, Rutt. (1998). Toward a philanthropic society with respect to Feminsm. Translate by Taha, Maref publication, Qom
58. Zibainejad, Mohammadreza and Sobhani, Mohammad taghi. (2008). Woman and Islam, Daro saghalein publication. Qom [Persian]

Archive of SID

59. Zibainejad, Mohammadreza. (2007). An essay “ An Introduction to Feminism and Feminist Knowledge”. Translate by Yazdani and Jandaghi. Study of the women. Qom. [Persian]
60. Mousavi, Masomen. (2008).
61. Watkinz, Suzan Alice. (2005). Feminism the first step. Translate by Jalali Naini, Ziba, Nashr-e- Shirazeh, Tehran, [Persian]
62. Wilford, Rick. (2003). Feminism as an introduction to poitical ideologies. Translate by GHaed. M, Nashr-e-Markaz. Tehran.